

بررسی تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر التزام عملی به اعتقادات مذهبی نوجوانان^۱

احمد میرگل^۲

سحر محسنی^۳

فرشته عسکری^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر التزام عملی به اعتقادات مذهبی نوجوانان شهر زهک بود. این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی در مدارس متوسطه دوم شهر زهک در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه پژوهش ۱۸۰۰ نفر و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۴۲ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی برآورد شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۷۲) و التزام عملی به اعتقادات اسلامی نویدی و عبداللهی (۱۳۸۰) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از به نرم‌افزار SPSS-۲۳ و آزمون t، آزمون همبستگی و رگرسیون تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سبک مقتدرانه، سبک غالب والدین و التزام عملی دانش‌آموزان به اعتقادات مذهبی متوسط است. همچنین میان سبک‌های تربیتی با التزام عملی ارتباط معناداری مشاهده شد ($P \leq 0/01$). میان التزام عملی دانش‌آموزان دختر به اعتقادات مذهبی بیشتر از پسران بود ($P \leq 0/01$). نتایج رگرسیون نشان دادند سبک‌های تربیتی مقتدرانه به میزان ۰/۴۴ قدرت پیش‌بینی التزام عملی به اعتقادات مذهبی را داشته است.

واژه‌های کلیدی: سبک تربیتی، التزام عملی، اعتقادات مذهبی، نوجوانان.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

تأیید نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

۲. دانشجوی دکترا دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) mirgolahmad@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد، مدرس دانشگاه پیام نور.

۴. کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.

۱. مقدمه

مبدأ تشکیل خانواده، به دوران قبل از تاریخ؛ یعنی اعصاری که نیاکان آدمسان ما اولین خانواده‌ها را تشکیل دادند، بازمی‌گردد. گرچه خانواده در طول تاریخ رشد و تکامل یافته است اما بسیاری از وظایف و عملکردهای اولیه خود را همچنان حفظ کرده است. بدین ترتیب فرزندان در دامن خانواده بزرگ می‌شوند و باهم بودن را می‌آموزند (مداحی و صمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۸). خانواده واحد اجتماعی نشأت گرفته از زن و یک مرد است که فرزندان پدید آمده از آن‌ها، آن را تکمیل می‌کنند (عیسی زاده، ۱۳۹۱: ۲۷). خانواده علاوه بر تأمین نیازهای حیاتی اعضای خود، به طرق مختلف بر آن‌ها تأثیرگذار است. تحقیقات، نشان می‌دهد که یکی از اثرگذارترین فاکتورها بر رشد نوجوانان، شیوه‌های تربیتی والدین آن‌هاست (بلسکی و بارنדרز، ۲۰۰۲؛ پرینزیه و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۷). در میان الگوهای اجتماعی بسیاری که به نوجوانان ارائه می‌شود اولین الگو والدین هستند، تأثیر والدین بر تحول الگوهای اجتماعی نوجوانان، مانند کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است، خانواده معمولاً برجسته‌ترین دسته درون گروه در زندگی افراد محسوب می‌شود (لای و همکاران، ۱۹۹۸). شاید از همین رو است که عبداللهی با الهام از اگوست کنت خانواده را اولین هسته هویت اجتماعی انسان معرفی می‌کند (دوران، ۱۳۸۷: ۱۰۳). انسان شدن انسان و وصول به کمال نهایی مرهون تربیت صحیح است، و هم عوامل مختلف وراثتی و محیطی در تربیت فرزند تأثیر دارند که در این میان خانواده اساسی‌ترین نهاد برای پرورش فرزندان است (داوودی، ۱۳۹۰: ۴۰). از آنجاکه در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم، پرداختن به اعمال عبادی-مذهبی را روزانه در سطح جامعه شاهد و ناظریم. عوامل متعددی در گرایش انسان‌ها به سوی خدا، مذهب و نیایش وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فطرت ذاتی انسان اشاره داشت. این موضوع مورد توجه دانشمندان و روان‌شناسانی مانند آلپورت، ویلیام جیمز، واتسون، استانلی هال، یونگ و ... قرار گرفته است (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۴۱). بلسکی (۲۰۰۲) عقیده دارد والدینی کردن از سه منبع کلی ویژگی‌های فردی فرزندان، منابع استرس بافتی، حمایت و شخصیت والدین نشأت می‌گیرد. از نظر او، سه منبع، بیشترین اثر را بر شخصیت دارد. اگرچه، طبق مطالعات مختلف فاکتورهایی مثل وضعیت شغلی و سلامت روان والدین نیز در وضعیت روانی فرزندان مؤثر است (فوکس و همکاران، ۱۹۹۵). اما می‌توان سبک‌های تربیتی را به‌عنوان یک ادعای کلی اثرگذار، بر عملکردهای خانوادگی در نظر گرفت (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳: ۴۰).

سبک‌های تربیتی، الگوهایی از پرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آن‌ها به رفتار فرزندان شکل می‌گیرد (دیسجاردنیس، ۲۰۰۹). پارکر و همکاران (۱۹۷۹) اعتقاد دارند اغلب رفتارهای والدگری والدین را می‌توان به دو بعد مراقبتی و کنترلی تقسیم نمود. بامریند (۱۹۸۹) دو بعد مستقل در تربیت را که می‌تواند رفتار فرزندان را پیشگویی کند، تبیین کرد؛ بعد اول، پاسخ گر بودن که به میزان تغذیه‌کنندگی، گرمی و ابراز هیجانی و تقویت مثبت مرتبط با نظرات فرزندان گفته می‌شود؛ بعد دوم اطاعت‌گری که به نحوه اعمال کنترل و سطح تقاضا و انتظارات گفته می‌شود (مداحی و صمدزاده، ۱۳۹۰: ۲۰). بامریند (۱۹۸۹) بر اساس دو بعد پاسخگویی و تقاضامندی والدین، سه سبک تربیتی را پیشنهاد داد. نوع اول مقتدرانه (والدینی که هم پذیرنده و هم متوقع هستند)، نوع دوم استبدادی (والدینی که متوقع هستند اما پذیرنده نیستند) و نوع سوم سهل‌گیر (والدینی که پذیرنده هستند اما متوقع نیستند). بعدها نوع چهارم یعنی طردکننده بر اساس دو بعد تقاضامندی و پاسخگویی توسط محققین دیگر اضافه شد (اسلیکر، ۱۹۹۸). هر یک از این سبک‌ها اثرات مختلفی بر فرزندان می‌گذارد، افراد با سبک‌های تربیتی مقتدرانه، رشد هیجانی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی بهتر، سازمان‌دهی و جهت‌گیری عقلانی بالاتری نشان می‌دهند (هیل، ۱۹۹۵). درحالی‌که والدین سهل‌گیر کنترلی بر کودکان خود ندارند و این کودکان کمترین میزان اعتمادبه‌نفس، کنجکاوی و خودکنترلی را در هر گروهی از خود نشان می‌دهند و در

کنترل تکانه و تشخیص ارزش‌های ضد ارزش مشکل دارند (برن اشتاین، ۲۰۰۲). والدین دیکتاتور، اغلب فرزندان خود را تحقیر می‌کنند و در مورد تنبیه بکار گرفته‌شده، هیچ‌گونه توضیحی نمی‌دهند. اجرای تأدیب‌های قوی، سبب اختلال در پردازش کودکان نسبت به پیام‌ها و صحبت‌های والدین شده و آنان همواره در یک ترس دائمی به سر می‌برند (باربر، ۲۰۰۰).

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است، به طوری که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زندگی نکرده و همواره بدان پناه برده است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» یعنی خداوند این آیین پاک را بر ای شما برگزیده است و شما جز بر آیین اسلام نمی‌میرید (بقره، ۱۳۲). به گفته پلوتارک اگر به صحنه گیتی نظری بیفکنیم، بسیاری از محل و اماکن را خواهید دید که در آنجا نه آبادی است نه علم و نه دولت، اما یکجا که خدا نباشد نمی‌توان پیدا نمود (نوابخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵: ۷۴). مذهب به‌عنوان یک میانجی بر فرآیند فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره زندگی فرد تأثیر می‌گذارد، بدین ترتیب حتی بسیاری از رویدادهای به‌ظاهر منفی، مثبت و معنی‌دار ارزیابی می‌شوند و فرد از آن‌ها احساس پوچی و بی‌هدفی و یأس و ناامیدی در برابر محرومیت‌ها، ناملایمات و فشارهای روانی هموار می‌کند (ظهور و توکلی، ۱۳۸۱: ۲۴). نیومن عقیده دارد مذهب می‌تواند در ایجاد احساس امید، نزدیکی به خدا و کمک به حل مشکل، مؤثر باشد (عابدی، ۲۰۰۵: ۱۸). اعتقادات دینی به‌عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها و نیایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته، از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به‌شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه‌لحظه‌های عمر فراهم سازد و در شرایطی خاص نیز با فراهم‌سازی تکیه‌گاه‌های تبیینی، فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد (بهرامی، ۱۳۸۷: ۵۹). اعتقادات دینی، باورهایی را در برمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدان‌ها اعتقاد داشته باشند (سراج زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۳۰). التزام از واژه لزوم به معنای چسبیدن است. وقتی چیزی به چیزی دیگر بچسبد و همیشه همراه آن باشد به‌گونه‌ای که دارای ارتباط تنگاتنگی با آن باشد یا ذاتی و یا ذاتیات او به‌شمار رود آن را لازم چیز می‌شمارند (واعظی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۰). منظور از التزام عملی به اعتقادات اسلامی، انجام رفتار تشریفاتی و آشکار درملاءعام یا خلوت است که به‌بیان‌دیگر همان بعد مناسکی و آیین دینی نامیده می‌شود (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵: ۴۵). التزام عملی به اعتقادات اسلامی، به معنای عمل کردن به فرایض و واجبات دینی، اجتناب از محرمات و اعمال نامشروع و تنظیم سبک زندگی بر اساس اصول و مبانی دین است (خوش‌طینت، ۱۳۹۱: ۳۴). بین تربیت و معنویت رابطه ذاتی وجود دارد. در همه اجزا و عناصر تربیتی باید از طریق دعا و نیایش، جهت فعالیت‌ها را به‌سوی خداوند معطوف کنیم تا هدف‌های تربیتی تحقق یابد. به‌قدری این ارتباط تربیت و معنویت قوی است که اگر برخی ارزش‌های انسان که موردقبول دین اسلام هست در وجود کسی باشد نهایتاً آن انسان به‌سوی معنویت الهی حرکت خواهد کرد (ملکی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). داشتن بصیرت و بینش درست در تربیت فرزند، لازمه فرزندپروری مسئولانه و آگاهانه است. وجه تمایز انسان از حیوان این است که می‌تواند بر اساس مذهب به تعمق پردازد. دین در تغییر مداوم دوران تمدن بشری تکیه‌گاه تزلزل‌ناپذیری را برای انسان فراهم کرده است که با آن می‌تواند وقار و آرامش خود را در برابر تغییر موقعیت‌های زندگی حفظ کند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۵۴). تحقیقات متعددی در این حوزه‌ها انجام‌گرفته است اما هیچ‌کدام به این شکل بررسی نکرده‌اند. ادیب بهروز (۱۳۸۹) دریافت یافته که خانواده و گروه دوستان بر میزان التزام به ابعاد و نشانه‌های دین‌داری تأثیر دارند. جلیسه (۱۳۸۶) دریافت والدینی که از جهت‌گیری مذهبی بالاتری برخوردارند، در تربیت فرزندان خود از سبک مقتدر استفاده می‌کنند و والدینی که جهت‌گیری مذهبی پایین‌تری دارند، از دو سبک فرزندپروری مستبد و سهل‌گیر در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کنند. لمبورد و همکارانش (۱۹۹۱ به نقل از صیاد شیرازی، ۱۳۸۲) دریافتند نوجوانانی که

والدین خود را به عنوان اقتدارگر و اطمینان بخش طبقه بندی کرده بودند بالاترین نمره را در کفایت اجتماعی کسب کردند. در زمینه اهمیت و ضرورت این مطالعه، توجه به این موضوع مهم است که در جامعه اسلامی ایران، بسیاری از رفتارها در زندگی فردی و اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر آموزه‌ها و باورهای دینی است و ملاک ارزیابی صحت رفتارها، مبانی و اصول دینی است. با وجود این درباره چگونگی رابطه بین سبک‌های تربیتی و التزام عملی به اعتقادات مذهبی مطالعات کافی مبتنی بر روش‌های نظام مند عملی انجام نشده است، انتظار می‌رود که پژوهش حاضر بینش ما را درباره چگونگی رابطه بین دو متغیر مورد نظر گسترش دهد. با توجه به اینکه دین اسلام به نکات دقیق و ظریفی در تربیت فرزند اشاره نموده، پژوهش حاضر در پی آن است به این سؤال پاسخ دهد که آیا بین سبک‌های تربیتی والدین بر التزام عملی دانش‌آموزان به اعتقادات مذهبی رابطه وجود دارد یا خیر؟ و این رابطه به چه میزان می‌باشد؟

تعیین سبک تربیتی غالب والدین دانش‌آموزان سال دوازدهم متوسطه دوم شهرستان زهک

تعیین میزان التزام عملی دانش‌آموزان سال دوازدهم متوسطه دوم شهرستان زهک

تعیین سبک تربیتی والدین بر التزام عملی دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوم شهرستان زهک

مقایسه التزام عملی دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم شهرستان زهک

۱-۱. روش پژوهش

این مطالعه یک پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد. نوجوانی مرحله انتقالی بین کودکی و بزرگسالی است. به تدریج که نوجوانان بالغ می‌شوند همانندی کمتری با کودک و شباهت بیشتری با بزرگسال در آن‌ها مشاهده می‌شود. نوجوانی، دوره دگرگونی‌های فیزیولوژیک و روانی است. مکان پژوهش مدارس متوسطه دوم شهر زهک و جامعه آماری شامل کلیه والدین (پدر و مادر) و دانش‌آموزان (دختر و پسر) در سال ۹۸ و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۲۲۴ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌ای (با توجه به نامتناس بودن جامعه پژوهش) می‌باشد.

طرح پیشنهادی این مطالعه در کمیته اخلاق آموزش و پرورش شهر زهک تأیید شد. مجوزهای لازم از معاونت پژوهشی آموزش و پرورش زهک توسط محقق اخذ شد. پیش از ورود افراد به مطالعه، به آنان گفته شد که شرکت در تحقیق کاملاً داوطلبانه است؛ همچنین، اطمینان خاطر داده شد که همه اطلاعات آنان محرمانه می‌ماند. شرکت‌کنندگان در پژوهش از جنبه‌های کلی تحقیق و نحوه پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها آگاه شدند. سپس پرسشنامه‌ها در اختیار والدین (پدر و مادر) و دانش‌آموزان (دختر و پسر) قرار گرفت تا آن‌ها را تکمیل نمایند.

الف- مقیاس سبک فرزندپروری دیانا بامریند (۱۹۷۲): این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده و ۳ بعد سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه می‌باشد. روش نمره‌گذاری بر اساس یک طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از یک تا پنج نمره‌گذاری شده است. بنابراین نمره کل این پرسشنامه در دامنه‌ای از صفر تا ۱۲۰ قرار می‌گیرد. جهت تعیین روایی محتوایی، پرسشنامه‌ها در اختیار تعدادی از اساتید دانشکده قرار گرفت و روایی محتوایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. میزان پایایی برای شیوه سهل‌گیرانه (۰/۶۹) برای شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۷۳ شیوه مستبدانه ۰/۷۱ و شیوه مقتدرانه ۰/۷۵ محاسبه گردیده است. بوری^۱ (۱۹۹۱) میزان اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآمایی در بین گروه والدین به شرح زیر گزارش نموده است: ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه مستبدانه، ۰/۷۸ برای شیوه مقتدرانه در بین مادران و ۰/۷۷ برای سهل‌گیرانه، ۰/۸۵ برای شیوه مستبدانه ۰/۹۲ برای شیوه مقتدرانه در بین پدران به دست آورده است. بوری مشاهده نمود که مستبد

بودن مادر رابطه معکوس با سهل‌گیری (۰/۳۸-) و اقتدار منطقی (۰/۴۸-) دارد. پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش شده است.

ب- مقیاس خودسنجی التزام عملی نویدی و عبداللهی (۱۳۸۰): مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی برای اندازه‌گیری رفتارهای دینی (نماز، روزه و احکام شرعی) نوجوانان و جوانان مسلمان تدوین شده است. در انتخاب جملات این مقیاس، آن دسته از اعمال و رفتارهای دینی که انجام آن‌ها از یک جوان مسلمان انتظار می‌رود، در کانون توجه قرار گرفته است. بنابراین جملات پرسشنامه شامل سایر تکالیف دینی بزرگسالان نظیر جهاد و زکات نمی‌شود. این پرسشنامه توسط نویدی بر روی جوانان پنج منطقه شهر تهران هنجاریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۴۵ ماده است که ۱۲ ماده برای التزام عملی به نماز؛ ۸ ماده برای التزام عملی به روزه؛ ۱۸ ماده برای التزام عملی به دیگر احکام شرعی الهی؛ ۷ ماده برای رعایت ارتباط با افراد مذهبی اختصاص یافته است. پرسشنامه از نوع لیکرت ۵ درجه است. این اساس نمرات بیشتر نشان از التزام عملی بیشتر به اعتقادات اسلامی است. برای بررسی روایی ابزار اندازه‌گیری التزام عملی به اعتقادات اسلامی، از نظر متخصصان استفاده شد. تعدادی از روحانیون و اندیشمندان مسلمان و تعدادی از اساتید دانشگاه مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی را ابزاری مناسب برای اندازه‌گیری التزام عملی دانش‌آموزان به اعتقادات اسلامی دانستند و استفاده از آن را روا دیدند. روایی خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی به طریق دیگری هم نیز بررسی شد. تعداد ۳۵ نفر از دانش‌آموزان در مطالعه مقدماتی به پرسشنامه مورد نظر پاسخ دادند. همین افراد در یک مصاحبه انفرادی شرکت کردند و توسط پژوهشگر از لحاظ میزان پایبند بودن به اعتقادات اسلامی بر روی یک مقیاس ۲۰ درجه‌ای رتبه‌بندی شدند. علاوه بر این، همان دانش‌آموزان توسط مسئولان واحد آموزشی از لحاظ التزام به اعتقادات اسلامی در روی یک مقیاس ۲۰ درجه‌ای مرتبه‌بندی شدند. سپس همبستگی بین پاسخ‌های کتبی دانش‌آموزان و امتیاز مصاحبه، محاسبه شد و ضریب همبستگی بین امتیازی که مصاحبه‌گر به میزان پایبند بودن هر دانش‌آموز اختصاص داده بود و نمره‌ای که دانش‌آموز از طریق پاسخ دادن به پرسشنامه کسب کرده بود، برابر با ۸۶٪ به دست آمد. همچنین ضریب همبستگی بین پاسخ کتبی دانش‌آموزان به پرسشنامه مورد نظر و رتبه‌بندی اولیای واحد آموزشی محاسبه شد که ضریب همبستگی مربوط برابر با ۵۷٪ بود. بنابراین، به نظر می‌رسد که ابزار اندازه‌گیری التزام عملی به اعتقادات اسلامی از روایی کافی برخوردار است. برای بررسی پایایی مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی نیز از روش باز آزمایی استفاده شد. مدت‌زمان فاصله بین اجرای دو آزمون یک هفته بود. ضریب پایایی به دست آمده بر اساس روش باز آزمایی برابر با ۰/۸۱ بود. برای محاسبه پایایی در این پژوهش به صورت مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان اجرا و با استفاده از روش همسانی درونی محاسبه گردید. در این پژوهش پایایی به استفاده از همسانی درونی ۰/۷۹ به دست آمد.

۲. یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱- وضعیت سبک تربیتی والدین (پدر و مادر) و التزام عملی دانش‌آموزان

متغیر	مستبدانه	مقتدرانه	سهل‌گیرانه	التزام عملی
می‌انگین ± انحراف استاندارد	۵/۷۷ ± ۲۵/۰۶	۹/۵۱ ± ۴۶/۱۵	۹/۵۱ ± ۳۲/۹۶	۹/۵۱ ± ۷۳/۹۶
کل نمونه	۲۴۲			

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود میانگین و انحراف استاندارد سبک مستبدانه به ترتیب ۲۵/۰۶، ۵/۷۷؛ میانگین و انحراف استاندارد سبک مقتدرانه به ترتیب ۴۶/۱۵، ۹/۵۱؛ میانگین و انحراف استاندارد سبک سهل گیرانه به ترتیب ۳۲/۹۶، ۹/۵۱ که میانگین و انحراف استاندارد مقتدرانه نشان می دهد که سبک غالب والدین می باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد التزام عملی به ترتیب ۷۳/۹۶، ۹/۵۱ که نشان دهنده سطح متوسط التزام دانش آموزان به اعتقادات دینی می باشد.

جدول شماره ۱- ماتریس همبستگی سبک های تربیتی و التزام عملی گروه مورد مطالعه

متغیرها	مستبدانه	مقتدرانه	سهل گیرانه
التزام عملی	مقدار همبستگی (۲)	۰/۷۷**	۰/۸۰**

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود بین سبک مستبدانه و التزام عملی همبستگی منفی و معکوس (۰/۷۷ = r)، سبک مقتدرانه و التزام عملی (۰/۸۳ = r) و سبک سهل گیرانه با التزام عملی (۰/۸۰ = r) همبستگی مثبت و معناداری در سطح $p \leq 0/01$ وجود دارد.

با توجه به اینکه هدف پیدا کردن متغیرهای پیش بینی است که تغییرات متغیر ملاک را به تنهایی یا به طور مشترک پیش بینی می کند، بدین ترتیب، ورود متغیرها به معادله رگرسیون با راهبرد سلسله مراتبی طی چند گام مرحله به مرحله انجام می شود.

جدول شماره ۱- خلاصه رگرسیون گام به گام سبک تربیتی والدین بر التزام عملی

گام	متغیر	R	r ²	F	β	T	Sig
۱	مقتدرانه	۰/۸۳	۰/۴۴	117/66	۰/۸۳	۱۰/۸۴	۰/۰۱
۲	مقتدرانه + سهل گیرانه	۰/۸۰	۰/۵۹	106/820	۰/۴۸ ۰/۴۳	۸/۱۸ ۷/۳۵	۰/۰۱
۳	مقتدرانه + سهل گیرانه + مستبدانه	-۰/۷۷	۰/۶۸	111/70	۰/۳۱ ۰/۳۱ -۰/۲۹	۸۶/۷ ۸/۲۲ ۷/۳۴	۰/۰۱

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود سبک مقتدرانه توانسته ۰/۴۴ تغییرات التزام عملی دانش آموزان را پیش بینی کند. مقدار F نشان دهنده معناداری در سطح ۹۹ درصد می باشد. در گام دوم سبک سهل گیرانه وارد الگوی پیش بینی شده است و این دو متغیر باهم توانسته اند ۰/۵۹ تغییرات التزام عملی دانش آموزان را پیش بینی کنند. یعنی متغیر سبک تربیتی سهل گیرانه به تنهایی ۰/۱۵ تغییرات التزام عملی دانش آموزان را پیش بینی کرده است. این پیش بینی با توجه به F در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. در گام سوم سبک تربیتی مستبدانه وارد الگوی پیش بینی شده است و این سه متغیر باهم توانسته اند ۰/۶۸ تغییرات التزام عملی دانش آموزان را پیش بینی کنند. یعنی متغیر سبک تربیتی مستبدانه به تنهایی ۰/۰۹ تغییرات التزام عملی دانش آموزان را پیش بینی کرده است. این پیش بینی با توجه به F مشاهده شده ۱۱۱/۷۰ در سطح ۹۹ درصد معنی دار است.

جدول شماره ۴- التزام عملی دانش آموزان بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	سطح معناداری
التزام عملی	دختر	۱۲۱	۹۲/۰۸	۳۷/۱۹	۲۴۰	۳/۶۸	۰/۰۱
	پسر	۱۲۱	۸۸/۴۰	۳۷/۳۳			

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود بین میانگین التزام عملی دانش‌آموزان دختر و پسر در سطح ۹۹ درصد تفاوت معنادار می‌باشد ($p < ۰/۰۱$ ، $df=۲۴۰$ ، $t=۳/۶۸$). در این تفاوت میانگین التزام عملی توسط دختران بیشتر است.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر التزام عملی به اعتقادات مذهبی نوجوانان می‌باشد. نتایج حاصل نشان داد که سبک تربیتی مقتدرانه، سبک غالب والدین می‌باشد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که والدینی که فرزندان خود را هدایت می‌کنند و در تصمیم‌گیری و نظرخواهی آزاد بیان می‌کنند، توجه به اعتقادات بالاتری دارند.

همچنین التزام عملی دانش‌آموزان به اعتقادات مذهبی در سطح متوسطی می‌باشد. همچنین نشان داد که بین سبک‌های تربیتی (متغیر مستقل) و التزام به اعتقادات مذهبی (متغیر وابسته) رابطه‌ای مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج با توجه به جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که سبک غالب والدین مقتدرانه می‌باشد بنابراین می‌توان استنباط کرد والدین دارای اقتدار منطقی، کنترل ثابتی را بر فرزندانشان اعمال کرده و استقلال فرزندان را تشویق می‌کنند. در تأکید بر قوانین و اهمیت فرمان‌برداری و اطاعت فرزندان ثابت‌قدم هستند. رفتارهای رشد یافته از فرزندان انتظار دارند و در عین حال حقوق فرزندان را به رسمیت می‌شناسند. فرزندان را با صراحت و روشنی راهنمایی کرده و نظم و انضباط تربیتی آن‌ها توأم با گرمی، منطقی و انعطاف‌پذیری و گفت‌و شنود کلامی است.

نتایج با توجه به جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که سبک‌های تربیتی با التزام عملی به اعتقادات مذهبی ارتباط معناداری دارد و سبک تربیتی مقتدرانه بیشترین پیش‌بینی را از التزام عملی به اعتقادات مذهبی دارد. نتایج با یافته‌های جلیسه (۱۳۸۶) و لمبورد و همکاران (۱۹۹۱) همسو می‌باشد.

در نتیجه می‌توان با توجه به نتایج یافته‌ها گفت یکی از جنبه‌های تربیت انسان، توجه به پرورش تربیت دینی اوست. به عبارت دیگر خانواده به‌ویژه والدین به دلیل نخستین مربی بودن و ارتباط مستمر و زیاد با فرزندان، بیشتر تأثیر را بر ابعاد مختلف تربیتی کودکان دارند. به این دلیل در آموزه‌های دینی بیشترین توجه به نقش تربیتی والدین معطوف شده است. در مباحث روان‌شناختی نیز بیشتر روان‌شناسان به تأثیر والدین به شکل‌گیری شخصیت و ویژگی‌های رفتاری فرزندان، پرداخته‌اند. به عبارتی می‌توان گفت پدر و مادر با رفتارهای دینی همچون عبادات و اعمال معنوی و به دنبال آن جذب و قبول فرزندان در جمع صمیمی و معنوی خود، زمینه تحول رفتاری کودکان را فراهم می‌نمایند. از جمله حقوق کودکان که بر عهده خانواده‌هاست تأمین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است که این امر میسر نمی‌شود مگر از راه انتقال مفاهیم دینی آیات و روایات فراوانی متذکر این معنی شده در عین حال در سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) جلوه‌های فراوانی از این موارد را مشاهده می‌کنیم. بنابراین پیشنهاد می‌شود: اگر خانواده‌ها علاقه‌مند به تربیت فرزندانشان به تربیت اسلامی دارند و یا می‌خواهند فرزندان را تربیت کند واقعاً باید به مسأله نیایش، دعا و عبادت اهمیت بدهند و اصلاً مسأله عبادت، قطع نظر از اینکه پرورش یک حس اصیل است تأثیر زیادی بر سایر نواحی آن دارد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل (۱۳۸۵). *درآمدی بر روان‌شناسی دینی*؛ تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- اسماعیلی بهبهانی، منیژه (۱۳۸۰). *بررسی رابطه دین‌داری و سعادت‌مندی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بهرامی، احسان (۱۳۸۷). *بررسی مؤلفه‌های بنیادین سازش یافتگی در آزادگان ایرانی*؛ رساله دکتری، روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- خوش‌طینت، ولی‌الله (۱۳۹۱). «تأثیر التزام عملی به اعتقادات اسلامی از طریق سبک زندگی سالم بر گرایش دانشجویان به مواد مخدر»، *مجله روانشناسی سلامت*، سال اول، دوره دوم، صص ۴۵-۵۹.
- داوودی، محمد (۱۳۹۰). *نقش معلم در تربیت دینی*؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ چهارم.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷). *هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. چاپ اول.
- رحیمی نژاد، عباس (۱۳۷۸). «مروری کوتاه بر دیدگاه چند تن از روانشناسان غرب در روانشناسی دین»، *اقتباس*، سال ۳، دوره ۲ و ۳، صص ۳۷-۴۸.
- سراج زاده، سید حسین و توکلی، سیده مهناز (۱۳۸۰). «بررسی تعریف عملیاتی دین‌داری در پژوهش‌های اجتماعی»، *نامه پژوهش*، سال ۵، دوره ۲۱، صص ۲۷-۳۹.
- ظهوری، علی و توکلی، علی (۱۳۸۱). «وضعیت نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۸۰»، *ارمغان دانش*، سال ۸، دوره ۲۸، صص ۱۸-۳۰.
- عیسی زاده، عیسی (۱۳۹۱). «*خانواده قرآنی (ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن)*»، قم: مؤسسه بوستان کتاب. چاپ چهارم.
- مداحی، محمدابراهیم و صمدزاده، منا (۱۳۹۰). «سبک‌های تربیتی ورگه‌های شخصیت»، *اندیشه و رفتار*، سال ۶، دوره ۲۱، صص ۱۷-۲۲.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). «*تعلیم و تربیت اسلامی با رویکرد کلان‌نگر*»، ویراست دوم، تهران: انتشارات عابد.
- نوابخش، م و پوریوسفی، ح (۱۳۸۵). «نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان»، *پژوهش دینی*، دوره ۱۴، صص ۷۱-۹۳.
- واعظی‌نژاد، حسین (۱۳۸۱). «*طهارت روح: نماز و عبادت در آثار شهید مطهری*»، تهران: ستاد اقامه نماز.
- Abedi, H.A.; M. Asgari, Z. Kazemi, F. Saffari, M. Nasiri. (2005). Religious Care Patients and the Barriers. *Journal of Teb and Tazkieh*, 4(53): 16-23 .
- Baumrind, D. (1971). current patterns of parental authority.
- Belsky, J., & Barends, N. (2002). Personalily and Parenting. In M.H.Bornstein (Ed.), *Handbook of Parenting (2nd ed)*. Bening and becoming a Parent, Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Bornstein, M. (2002). *Handbook on Parenting Childern and Parenting*.
- Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context, *Qanintegtrative model*, *psychologicalBalletin*, 113,3.487-496.
- Desjardins, J., Zelenski, J. M., Coplan, R. J., (2008). An investigation of maternal Personality, Parenting Styles and Subjective Well-being. *Personality and Individul Differenes*, 44, 587-597.
- Fox, R. A., Platz, D. L., Bentley, K. S. (1995). Maternal Factors related to parenting Practices, developmental expectations, and perceptions of child behavior problems. *Journal of Genetic Psychology*, 156, 431-441
- Parker, G., Hadzi-Pavlovic, D., Greenwald, S., & Weissman, M. (1995). Low parental care as a risk factor to lifetime depression in a community sample. *Journal of Affective Disorders*, 33, 173-180.

- Prinzie, P., Onghena, P., Hellinckx, W., Grietens, H., Ghesqviere, P., & Colpin, H. (2004). parent and child personality characteristics as predictors of negative discipline and externalizing problem behaviour in children. *European Journal of Personality*, 18, 73-102.
- Sliker, E. (1998). Relationship of parenting style to behavioral adjustment in graduating high school seniors. *Journal of Youth and Adolescence*, 27 (3), 345-372.
- Zohor, A. and Tavakoli, A. (1381). "Status of religious attitude of students of Kerman University of Medical Sciences in" 2001, *Armaghan Danesh*, year 8, volume 28, pp. 18-30

